

The Themes Network of Poverty Causes in Islamic Society from the Perspective of the Qur'anic Verses and Ahlul-Bayt Traditions ^(PBUH)

Mohammad Etrat Doost*

Omid Nasiri**

Hadi Ghiyasi***

Abstract:

Poverty is one of the most important problems in human society, with a special place in the economic and social issues of human societies. One of the theoretical necessities of the research in this field is to identify the factors that lead to the creation and spread of poverty in society. Clearly, addressing these factors in order to prevent them is far more essential and vital than addressing the destructive factors in combating poverty. If we are aware of the preventive factors and consider them in our personal and social life, then we will not face poverty and its spread and there is no need to fight it. In the religion of Islam as the last and most complete religion, numerous teachings have been expressed to prevent the creation and spread of poverty that need to be identified and explained in a text-based, systematic and accurate manner. For this reason, this paper attempts to study the Qur'anic economic verses and related narratives in the hadith communities using the 'content analysis' method, and the themes of the content analysis and mapping of their broad themes are effective factors in creating and presenting them. Explain the spread of poverty in Islamic society from the perspective of the Qur'an and the Ahlul-Bayt (pbuh). The findings of the study show that in religious teachings a total of 30 key and important themes are identified as effective factors in creating poverty in Islamic society which are classified into two categories: micro and macro factors and each one into two categories of spiritual and subsistence factors.

Keywords: The Holy Quran, Jurisprudence, Poverty, Wealth, Theory of Content Analysis.

* Assistant Professor in Department of Islamic Education, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Etratdoost@sru.ac.ir

** M.Sc. Student of Quran and Hadith Sciences Imam Sadegh University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) omidnasiri74@gmail.com

*** PhD student of Culture and Communication Imam Sadegh University, Tehran, Iran. hadi.ghiasi@gmail.com

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال سیزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۵)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۵۹-۱۸۷

(مقاله علمی - پژوهشی)

شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی

از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)

محمد عترت دوست*

امید نصیری**

هادی غیاثی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

فقر از جمله مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که جایگاه ویژه‌ای در میان مسائل اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری دارد. یکی از ضرورت‌های نظری پژوهش در این حوزه، شناسایی عواملی است که عدم رعایت و اهتمام بدان‌ها موجب ایجاد و گسترش فقر در جامعه می‌شود. بدیهی است که پرداختن به این عوامل به منظور پیشگیری، به مراتب ضروری‌تر و حیاتی‌تر از پرداختن به عوامل نابودکننده برای مبارزه با فقر است. در دین مبین اسلام آموزه‌های متعددی به منظور پیشگیری از ایجاد و گسترش فقر بیان شده که لازم است با روشی متن محور، نظام‌مند و دقیق، شناسایی و تبیین شود. به همین دلیل در این مقاله تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل مضمون» به مطالعه گسترده آیات اقتصادی و نیز روایات مرتبط با موضوع در مجامع حدیثی پرداخته و از ره‌آورد تحلیل مضمونی و ترسیم شبکه مضامین گسترده آنها، عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش فقر در جامعه اسلامی را از منظر قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) تبیین نماییم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در آموزه‌های دینی مجموعاً ۳۰ مضمون کلیدی به‌عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد فقر در جامعه اسلامی اشاره شده که در دو دسته عوامل خرد و کلان طبقه‌بندی شده و هرکدام نیز به دو دسته عوامل معنوی - معیشتی و عوامل اجتماعی - حکومتی تقسیم می‌شوند.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، فقه الحدیث، فقر، ثروت، روش تحلیل مضمون

* استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. Etratdoost@sru.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

omidnasiri74@gmail.com

hadi.ghiasi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

طرح مسئله

مسائل هر جامعه در نسبت با فرهنگ و تاریخ آن جامعه اقتضائات خاص خود را پیدا می‌کند. از جمله معضلات و گرفتاری‌های عظیمی که یک جامعه می‌تواند با آن روبه‌رو شود، مسئله‌ی فقر است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. در این میان جوامع اسلامی نیز به فراخور شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود درگیر این مسئله هستند.

فقر مانند هر مسئله دیگری ناشی از زمینه‌ها و عواملی است و پیامدهای خاص خود را در یک جامعه اسلامی دارد. مشکلات فقر مانند هر مسئله اجتماعی دیگر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نیست، بلکه مشکلات این مسئله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که بسترساز انحرافات گردد. یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری بسیاری از مشکلاتی چون ناامیدی، بی‌عفتی، انحراف اخلاقی، ضعف عقیده، ذلت و خواری، ناتوانی و غربت، نقص عقل و دین، فساد اداری، فقدان منزلت اجتماعی، انزوای سیاسی و بسیاری دیگر از مشکلات اجتماعی، مسئله فقر در جامعه اسلامی است. این امر لزوم پرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری فقر را جهت پیشگیری از بروز پیامدهایی با گستره‌ای این چنین، دوچندان می‌سازد.

از ضرورت‌های پاسخ به مسائل اجتماعی در یک جامعه اسلامی رجوع جامع و روشمند به منابع اصیل دینی است. با بررسی متون اسلامی آشکار می‌شود که دین اسلام در رابطه با معضل فقر، کراراً سخن گفته است تا آنجا که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از شر آن به خدا پناه می‌برد: «فَأَسْتَعِذُ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَمْتِ» (شریف رضی، ص ۱۶) و درجایی دیگر می‌فرماید: «الْغِنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ» (شریف رضی، ص ۴۷۸)

این سخنان به‌خوبی نشان می‌دهد که فقر چه معضل بزرگی است و به همین دلیل در دین اسلام علی‌الخصوص در بیانات اهل‌بیت (علیهم السلام) در خصوص آن مکرراً سخن به میان آمده است. محیط و جامعه‌ای که گرفتار فقر گشته است نمی‌تواند بستر مناسبی برای رشد فرهنگی، عدالت و ارتقای معنوی جامعه خود فراهم کند. از طرفی فقر دارای عواقب وخیمی چون امراض مادی و معنوی است و تأثیر به‌سزایی در ایجاد فقر فرهنگی جامعه می‌تواند داشته باشد.

استفاده از روش تحلیل متن مناسب در رجوع به منابع اصیل دینی از لوازم کشف پاسخ صحیح دینی به یک مسئله اجتماعی است. در رابطه با مسئله فقر، شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش این پدیده و فهم روابط بین آنها جهت جلوگیری از پیامدهای آن دارای اولویت

است. در پژوهش‌هایی که تاکنون صورت پذیرفته است این امر بر اساس رویکردهای اقتصادی و جامعه‌شناختی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. اما این پژوهش سعی دارد بر اساس منابع معتبر و اصیل دینی که همان آیات و روایات است، عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش پدیده فقر را تبیین کند. در آیات و روایات متعددی به مسئله فقر پرداخته شده است و عوامل مؤثر در ایجاد فقر و یا افزایش رزق و روزی بیان شده است که می‌توان این عوامل را در ارتباط با یکدیگر به صورت معناداری صورت‌بندی نمود. در این نوشتار پس از بیان چارچوب روش‌شناختی و ادبیات مفهومی پژوهش، یافته‌های حاصل از رویکرد روشمند به آیات و روایات در حوزه عوامل مؤثر بر فقر تبیین می‌گردد.

ضرورت تحقیق

فقر پدیده‌ای چند عاملی و پیچیده است. پیچیدگی این پدیده، از ابعاد مختلف و متعدد بودن عوامل ایجاد کننده آن ناشی می‌شود. به همین دلیل، علوم مختلف انسانی و اجتماعی با رویکردهای گوناگونی به این پدیده نگریسته‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹). از طرفی منشأ این اختلاف‌ها در علوم مختلف، ناشی از نوع نگرش متفاوت آنها نسبت به مسئله فقر است. به عنوان مثال اقتصاددانان بیشتر به زمینه ظهور و نتایج فقر توجه نموده و به ندرت به تحلیل اجتماعی می‌پردازند. در ادبیات جامعه‌شناسی معمولاً دو مفهوم فقر و نابرابری در کنار یکدیگر به کار می‌روند و معمولاً فقر را «برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت» تعریف می‌کنند. برخی محققان این نیازها را به سه گروه اساسی تقسیم می‌کنند که عبارتند از: تغذیه، سرپناه و سلامتی. از نظر اقتصاددانان، فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از منابع لازم برای برخورداری از رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و امکانات معمول زندگی محروم باشد. برخی دیگر معتقدند که فقر باید بر اساس مجموعه ثابتی از قابلیت‌ها تعریف شود؛ به طوری که فقدان این قابلیت‌ها نزد فرد به منزله فقیر بودن وی است (خدادادکاشی و حیدری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). در تحلیل این مطالب باید گفت که تمامی تعاریف فوق، به نوعی محرومیت از رفاه اشاره دارند، اما در رویکردی اسلامی و آنچه از آیات و روایات برداشت می‌شود، فقر را دارای چهار وجه دانسته‌اند:

الف) وجه اول فقر در واقع همان نیازهای ضروری زندگی است که در میان تمام موجودات وجود دارد. در قرآن کریم با اشاره به نیازهای اولیه زندگی انسان مثل غذا، لباس، خواب و تأمین نیازهای جنسی به این موضوع اشاره شده است. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است که: «یا

أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ خَلَالاً طَيِّباً» (بقره: ۱۶۸) و «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاساً يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشاً» (اعراف: ۲۶).

ب) وجه دوم فقر، فقری است که از عدم تلاش برای کسب و کار و ایجاد درآمد ناشی می‌شود. به عنوان مثال خداوند متعال در آیه: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْضِرُوا» (بقره: ۲۷۳) نسبت به این گونه افراد فقیر سخن به میان آورده است تا آنجا که می‌گوید صدقات و کمک‌های خیرین، مخصوص وضعفایی است که ناتوان بوده و در عین حال با حفظ عفت و حیا زندگی می‌کنند. همچنین در آیات دیگری مانند «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْغِنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۲) و «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ» (توبه: ۶۰) به این نوع فقر اشاره شده است.

ج) وجه سوم فقر، فقر روحی و معنوی انسان است. در آیات متعددی از قرآن کریم، عدم بهره‌مندی از اعتقادات صحیح و سالم و نیز عدم برخورداری از دین و مسلک و مذهب به مثابه نوعی فقر و کمبود دانسته شده و پاسخ صحیح به این نوع از نیاز انسان را در فطرت بشر معرفی کرده است و فرموده: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰).

د) وجه چهارم فقر، فقر در مقابل ذات باری تعالی و نیازمندی انسان به قرب الهی می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم با عبارت دعایی «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص: ۲۴) به این نوع خاص از فقر مترقی و عالی اشاره کرده و این مسئله را از جمله نیازهای رشد و تکامل انسان دانسته است، به همین دلیل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این خصوص فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ وَ لَا تُفْقِرْنِي بِالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْكَ».

به هر حال در متون دینی فقر دارای معانی متعددی است، به گونه‌ای که بین این معانی صرفاً اشتراک لفظی برقرار است. فقری که در این نوشتار مورد نظر است، آن چیزی است که در مقابل غنی و ثروت به کار می‌رود؛ یعنی عدم بهره‌مندی از ثروت در برابر بهره‌مندی از آن که در آیات قرآنی و روایات اهل بیت (علیهم السلام) از آن با تعبیری همچون: «سوء، بلا، شر، شوم، قبح، ذلت، خذلان، فقر و ...» یاد شده است. بر این اساس در این پژوهش معانی دیگر فقر که در متون دینی کاربرد دارند مانند فقر فرهنگی، فقر روحی، فقر معنوی و فقر دینی، مورد نظر نیستند.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت مسئله فقر در قرون اخیر برخی از پژوهشگران در این زمینه دست به پژوهش زده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

گنجعلی و نیلوفر (۱۳۸۷ش) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر فقر» با استفاده از شبکه‌های بیزی به بررسی علل و چگونگی تأثیر عوامل مؤثر بر فقر پرداخته‌اند. بختیاری و میسمی (۱۳۹۰ش) در پژوهشی با عنوان «سرمایه انسانی، فقر و نابرابری‌های درآمدی در اسلام و کشورهای اسلامی» می‌کوشند تا ضمن بررسی مفاهیم فقر، نابرابری و نیز مؤلفه‌های سرمایه انسانی چون سلامت و آموزش، از دیدگاه اسلامی و ضمن بررسی ادبیات سرمایه انسانی در اقتصاد متعارف، ارتباط میان فقر و بی‌عدالتی با سرمایه انسانی را در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار دهند.

عسگری و غفور زاده (۱۳۹۳ش) در پژوهشی با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف» به مقایسه رویکردهای فقر چندبعدی در اسلام پرداخته و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که در اسلام رویکرد درآمدی و تعیین یک خط فقر مورد توجه قرار نمی‌گیرد، ولی معیارهای فقر شرعی بیشتر از آنکه به فقر مطلق توجه داشته باشد به جنبه فقر نسبی توجه دارد.

کاوش‌ها و بررسی‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی نگارندگان این مقاله نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی که به ترسیم شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) به کمک روش تحلیل مضمون در منابع روایی پرداخته باشد، انجام نپذیرفته است که این مسئله نشان از نوآوری مقاله و بدیع بودن موضوع در فضای علمی کشور دارد.

روش تحقیق

رشد سریع تحقیقات کیفی در سال‌های اخیر، منجر به برداشتن گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی آن‌ها شده است. با این حال، هنوز ابزارهای مناسبی برای تحلیل داده‌های کیفی، به اندازه کافی، وجود ندارد. در حالی که به مسائل مربوط به چرایی، چگونگی و زمان به‌کارگیری روش‌های کیفی، توجه ویژه‌ای شده است؛ اما به نحوه تحلیل داده‌های متنی که پژوهشگران کیفی در مرحله پایانی جمع‌آوری داده عرضه می‌کنند کمتر توجه شده است. این موضوع، یکی از مشکلات پژوهشگران، خصوصاً پژوهشگران علوم اجتماعی است که از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند (استیرلینگ، ۲۰۰۱).

برای کسب نتایج مفید و بامعنی در تحقیقات کیفی، لازم است داده‌ها به صورت روشمند تحلیل شود؛ اما متأسفانه ابزارهای تحلیلی اندکی در این زمینه وجود دارد. برای اینکه درک بهتری از داده‌ها حاصل شود، به روش‌هایی نیاز است که بتواند حجم عظیم داده‌ها را به گونه‌ای نظام‌مند ثبت نموده و به تحلیل دقیق آنها بپردازد.

از جمله روش‌های تحلیلی که به واسطه آن می‌توان به فهم عمیق و جامعی از داده‌ها و محتوای مورد بررسی رسید، روش «تحلیل مضمونی»^۱ است. این روش، کارکردهای متعددی داشته و در حوزه‌های مختلفی از دانش قابل استفاده است. این روش، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است، به همین دلیل بویاتزیس (۱۹۸۸م) آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند. ریان و برنارد (۲۰۰۰م) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی، معرفی می‌کنند، اما به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶م)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است.

روش تحلیل مضمون، از روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی است و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آن استفاده کرد. از این رو، ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶م به نقل از مختاریان پور، ۱۳۹۱ش، ص ۱۶۳).

هم‌چنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته، به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود که این امر، مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

«مضمون»، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹). شناخت مضمون، از مهم‌ترین مراحل تحلیل مضمون است چراکه مراحل بعدی بر پایه آن انجام می‌شود. جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق، شعور متعارف، ارزش‌ها و تجربه پژوهشگر پیرامون مسئله پژوهش، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد. انتخاب مضمون، لزوماً تابع معیارهای کمی

¹ thematic Analysis

نیست؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد. درواقع مقدار داده‌های مورد نیاز جهت پاسخ به مسئله پژوهش با توجه به ماهیت کیفی روش تحلیل مضمون ثابت و مشخص نیست.

از دیگر خصوصیات ممتاز و منحصر به فرد روش تحلیل مضمون، کارکرد ویژه این روش برای تقلیل^۲ حجم انبوه اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها در یک یا چند مضمون اصلی و کلیدی است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای این روش، داشتن الگویی برای رسیدن به مضمون اصلی متن و لب کلام می‌باشد. به عبارت دیگر این روش در مواردی کاربرد دارد که با حجم انبوهی از اطلاعات متعدد و پراکنده مواجه هستیم و قصد داریم آن‌ها را به گونه‌ای منطقی و منظم طبقه‌بندی نموده و اطلاعات خود را برای تحلیل بهتر متن، به گونه‌های مشخصی تقلیل دهیم. به همین دلیل در این روش، فرایند تقسیم کردن اطلاعات، طبقه‌بندی،^۳ تلخیص^۴ و بازسازی^۵ آن‌ها برای تقلیل داده‌ها و سپس استخراج مهم‌ترین مفاهیم برای رسیدن به مضامین کلان، به‌خوبی ترسیم و تبیین شده است.

تحلیل مضمونی یک راهبرد توصیفی است که با جستجوی الگوهای تجربه درون یک مجموعه، فرایند تحلیل داده‌های کیفی را برای درک بهتر تسهیل می‌کند. حاصل این تحلیل مضمونی نیز، توصیفی از آن الگوها و طرح محیطی است که بر آن الگوها وحدت می‌بخشد، بدین معنا که چه مضمون کلانی باعث شده این مضامین متعدد در یک متن واحد وجود داشته باشند و این مضامین چه ارتباطی با همدیگر دارند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان، شش گام و بیست اقدام تقسیم نمود که فرایند گام به گام آن در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول شماره ۱: فرایند انجام روش تحلیل مضمون

مرحله	گام	اقدامات
۱. تجزیه و توصیف متن	۱- آشنا شدن با متن	۱. مکتوب کردن داده‌ها در صورت لزوم
		۲. مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها
		۳. نوشتن ایده‌های اولیه

^۲ Reconstructing

^۳ classification

^۴ summariz

^۵ reconstruct

۴. پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	
۵. تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر		
۶. کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها		
۷. تطبیق دادن کدها با قالب مضامین	۳- جستجو و شناخت مضامین	
۸. استخراج مضامین از بخش‌های کد گذاشته متن		
۹. پالایش و بازبینی مضامین		
۱۰. بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج	۴- ترسیم شبکه مضامین	۲. تشریح و تفسیر متن
۱۱. مرتب کردن مضامین		
۱۲. انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر		
۱۳. ترسیم نقشه‌های مضامین		
۱۴. اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین	۵- تحلیل شبکه مضامین	
۱۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین		
۱۶. توصیف و توضیح شبکه مضامین		
۱۷. تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن	۶- تدوین گزارش	۳. ترکیب و ادغام متن
۱۸. استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها		
۱۹. مرتبط کردن نتایج تحلیل با مسائل و مبانی نظری		
۲۰. نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها		

روش تحلیل مضمون زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا شده باشد. همچنین، فهرست اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها، تهیه کرده باشد؛ لذا این گام، مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست.

«کدگذاری مضمونی»^۶ دومین گام اجرای روش تحلیل مضمونی است و از آنجا که جنبه محتوایی دارد و می‌بایست پیام و ایده اصلی متن به‌خوبی دریافت شود تا بتوانیم بهترین مضمون

⁶ Thematic Coding

را به‌عنوان «کد» انتخاب کنیم، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و بیشترین وقت و زمان محقق برای تحلیل نیز در این بخش صرف می‌شود. اولیه دسته از واژگانی که می‌بایست به‌عنوان «کد» در فرایند کدگذاری مضمونی انتخاب شوند، واژگانی هستند که دارای معانی و مفاهیم جدید بوده و یک حرف جدید به مخاطب القاء می‌کنند. پس از خوانش اولیه متن که عمدتاً با رویکرد استفهامی است، در متن با واژگان، مفاهیم و اصطلاحات جدیدی مواجه می‌شویم که بار معنایی جدید و تازه‌ای به همراه داشته و به متن، رنگ و بوی خاصی داده‌اند، که کشف و شناسایی این مفاهیم جدید و انتخاب آن‌ها به‌عنوان کد، اولین اقدام تحلیل‌گر مضمونی متن است. این مفاهیم جدید، ویژگی خاص آن متن محسوب می‌شوند که باعث تمایز پیدا کردنش از دیگر متون شده و همچون نماد و نشانه‌ای، به شناسایی دقیق مضمون اصلی و زیربنایی متن کمک می‌کنند. نکته مهم این است که در این نوع تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای خطوط راهنما استفاده می‌شود و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص که این امر باعث انعطاف‌پذیری آن‌ها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق است (پاتون، ۱۹۹۰، ص ۱۴۵).

۱. تحلیل مضمونی آیات و روایات پیرامون عوامل ایجاد فقر

در تحقیق حاضر منابعی که مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند، آیات قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در مجامع حدیثی مشهور و معتبر است. پس از فیش‌برداری از منابع، فیش‌ها وارد نرم‌افزار Maxqda شدند تا کدگذاری شوند. پس از سه مرحله کدگذاری، الگوی نهایی تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر فقر مشخص شد. برای پایایی کدگذاری این پژوهش، پس از هر مرحله کدگذاری، کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی با گزاره‌های اولیه مقایسه شدند. برای روایی این پژوهش نیز از بررسی همکاران استفاده شد. در جدول ذیل، تحلیل مضمونی گزاره‌های این پژوهش در نرم‌افزار Maxqda ترسیم شده است که به جهت محدودیت حجم مقاله، تنها به بخشی از آن به صورت نمونه اشاره می‌شود:

جدول شماره ۲: تحلیل مضمونی آیات قرآنی و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام)

Code	Segment
فرهنگ کفران نعمت عوامل اجتماعی عوامل کلان	وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقٌهَا رَغَدًا مِن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل: ۱۱۲)

احتکار \ عوامل اجتماعی اعوامل کلان	اذا طفف المکیال اخذهم الله بالسنین و النقص (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۱)
انحصار ثروت در دست اغنیاء \ عوامل اجتماعی عوامل کلان	إِنَّ اللَّهَ سُحَّانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَنِّي وَ اللَّهُ تَعَالَى [جُدُّهُ] سَأَلْتُهُمْ عَنْ ذَلِكَ (نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۵۳۴)
ربا \ عوامل اجتماعی عوامل کلان	عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِيَّيْ سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ بِمَحَقِّ اللَّهِ الرَّبَا وَ يُرِي الصَّدَقَاتِ وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرَّبَا يَرْتَبُو مَالَهُ فَقَالَ أَيُّ مَحَقِّ أَحَقُّ مِنْ دَرَاهِمِ رَبَاً بِمَحَقِّ اللَّيِّنِ وَ إِنْ تَابَ مِنْهُ دَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۵)
توزیع ناعادلانه ثروت \ عوامل حکومتی عوامل کلان	إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنزلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۸)
ثروت اندوزی مسئولین \ عوامل حکومتی عوامل کلان	إِنَّمَا يُؤْتَى حِرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا وَ إِنَّمَا يُعَوَّزُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجُنُوعِ وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبُقَاةِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۷۱)
اهمال در جمع آوری فیء \ عوامل حکومتی عوامل کلان	أَسُّ الْإِسْلَامِ التَّامِّي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرِ الْفُقَرَاءِ وَ الصَّدَقَاتِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۳۸)
نیت گناه \ عوامل فردی معنوی اعوامل خرد	إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُحَرِّمُ رِزْقَهُ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۶)
حرص \ عوامل فردی معنوی اعوامل خرد	الْحِرْصُ مِفْتَاحُ التَّعَبِ وَ دَاعٍ إِلَى التَّقْصُرِ فِي الذُّنُوبِ وَ الشَّرُّ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْغُيُوبِ الْحِرْصُ عَلَامَةُ الْفَقْرِ (کراجی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۹)
اعراض از ذکر الهی \ عوامل فردی معنوی عوامل خرد	مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيَسَّرَهَا الْفَقْرَ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۰۵)
تکدی گری \ عوامل فردی معنوی عوامل خرد	أَتَبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۹)
راحت طلبی \ عوامل فردی معنوی عوامل خرد	إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا بَعْدُ فَلَا تُجَادِلِ الْعُلَمَاءَ وَ لَا تُنَارِ السُّفَهَاءَ فَيُبْعِضَكَ الْعُلَمَاءُ وَ يَشْتِمَكَ السُّفَهَاءُ وَ لَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ أَوْ قَالَ عَلَى أَهْلِكَ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۶)

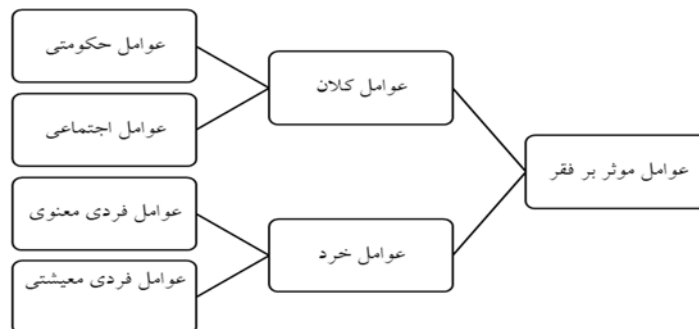
مهم‌ترین گام در تحلیل مضمون، تحلیل کیفی داده‌ها و تدوین گزارش است. این مرحله وقتی آغاز می‌شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شده باشد. در این گام، شبکه‌های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند. شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به‌دست آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و علایق نظری نهفته در آن‌هاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به‌دست آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود (استیرلینگ، ۲۰۰۱). در این پژوهش پس از بررسی داده‌ها و انجام مراحل روش‌شناختی و کشف شبکه مضامین، به تشریح شبکه مضامین پرداخته می‌شود.

۲. شبکه مضامین عوامل مؤثر در ایجاد فقر از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)

با توجه به تحلیل مضمون اطلاعات جمع‌آوری شده از آیات قرآنی و احادیث معصومین (علیهم‌السلام)، در نهایت به ۳۰ مضمون اولیه دست پیدا کردیم. ادامه فرایند تحقیق نشان داد که مضامین دیگر آیات و روایات، همگی تکرار این ۳۰ مضمون اولیه بوده و همین مسئله ما را به کفایت نظری تحقیق رسانده است بدین معنا که دیگر امکان اضافه شدن مضمون جدیدی به این دسته وجود ندارد. بررسی مضامین اولیه کشف شده و تقسیم‌بندی آنها نشان می‌دهد که همه این مضامین در دو حوزه عوامل کلان و خرد قابل دسته‌بندی بوده و هرکدام از این دسته‌ها نیز خود به دو دسته دیگر قابل تقسیم هستند و در نهایت همه مضامین را می‌توان در ۴ مضمون پایه و اساسی طبقه‌بندی نمود.

دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های انجام شده در این مرحله ما را با ساختار و الگوی عوامل مؤثر بر ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) آشنا می‌کند که نمودار کلی آن در ذیل درج شده و در ادامه به تفصیل توضیح داده شده است:

شکل شماره ۱: تقسیم بندی عوامل مؤثر بر ایجاد فقر از منظر آیات و روایات



از آنجا که در این مقاله به دنبال ترسیم شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث معصومین (علیهم السلام) بوده و به موضوع فقر یک نگاه اجتماعی و کلان داریم، ابتدا به طرح بحث از عوامل کلان در ایجاد فقر پرداخته و سپس عوامل خرد را معرفی می‌کنیم. در تحلیل و توضیح هرکدام از عوامل نیز به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر یک توضیح اجمالی و اشاره به یک مورد از آیات و روایات اکتفا کرده و در پایان مقاله، نمودار کلی شبکه مضامین عوامل مؤثر بر ایجاد فقر در جامعه اسلامی را ترسیم خواهیم کرد.

۲-۱. عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فقر

بررسی آیات قرآن کریم و روایات منقول از اهل بیت (علیهم السلام) با استفاده از روش تحلیل مضمون و طبقه‌بندی مضامین استخراج شده از آنها نشان می‌دهد که در حوزه مباحث اجتماعی، ۱۰ عامل اساسی باعث ایجاد فقر در جوامع اسلامی می‌شوند که عبارتند از:

۲-۱-۱. شکل‌گیری فرهنگ کفران نعمت

مهم‌ترین عاملی که در قرآن کریم به‌عنوان ایجاد کننده فقر در جامعه اسلامی توسط مردم و گروه‌های اجتماعی معرفی شده، کفران نعمت است که اگر به یک فرهنگ اجتماعی، فراتر از ایجاد فقر، باعث نزول بلاهای آسمانی و عذاب الهی نیز خواهد شد. خداوند متعال در قرآن کریم، قریه‌ای را به‌عنوان نمونه مطرح می‌کند که مردم آن دارای امنیت و آسایش بودند و رزق و روزی فراوانی به ایشان می‌رسید، اما به سبب فرهنگ غلط کفران نعمت که در میان آن‌ها شایع شده بود، نسبت به نعم الهی کفر ورزیدند و از این‌رو خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنان

پوشانید و آنان را به فقر و فلاکت مبتلا کرد: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا فَرِيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْحَتْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲).

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز از کفران نعمت به عنوان عامل و سبب اصلی نابودی نعمت‌ها و ایجاد فقر یاد شده است چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «سَبَبُ زَوَالِ النِّعَمِ الْكُفْرَانُ»؛ عامل زوال نعمت‌ها کفران نعمت است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۶). در حدیثی دیگر آمده است که «كُفْرَانُ النِّعَمِ يُزِيلُ الْقَدَمَ وَ يَسْلُبُ النِّعَمَ» یعنی کفران نعمت‌ها، پاها را می‌لغزاند و نعمت‌ها را سلب می‌کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۹) طبیعتاً زمانی که این کفران نعمت به یک فرهنگ عمومی در جامعه تبدیل گردد، اثرات مخرب بیشتری بر آن جامعه خواهد گذاشت.

۲-۱-۲. ترک انفاق‌های واجب و مستحب

مضمون دیگر استخراج شده در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی، مضمون «ترک انفاق» است که باعث زوال نعمت و ایجاد فقر می‌گردد. در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وَ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَ بَسَطَ الرِّزْقَ إِنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۰). به همین دلیل امام کاظم (علیه السلام) علت پرداخت زکات را زیاد شدن اموال فقرا بیان می‌کنند: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴) و در جایی دیگر می‌فرماید: «حَصَبُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴) یعنی پرداخت زکات باعث بهتر شدن وضع فقرا شده و از طرفی دیگر منجر به آن می‌شود تا پروردگار متعال برکت را در اموال فرد زکات دهنده بیشتر کرده و دارای‌های او نیز افزایش یابد.

در این خصوص شیخ کلینی در کتاب کافی ذیل باب «فَرَضِ الزَّكَاةِ وَ مَا يَجِبُ فِي الْمَالِ مِنَ الْحَقُوقِ» عبارتی از امام صادق (علیه السلام) بیان می‌کنند که نشان می‌دهد عدم پرداخت حقوق الهی منجر به فقر می‌شود: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَذَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِحَيْرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۷). همچنین در روایت دیگری به این مضمون از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است که همانا زکات برای آزمایش اغنیا و کمک به فقرا وضع شده و اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۰۶).

۲-۱-۳. عدم حمایت و تکافل اجتماعی

همان‌گونه که ترک انفاق‌های واجب و مستحب باعث ایجاد فقر اجتماعی می‌شود، ترک بذل و بخشش‌های اجتماعی و دستگیری از نیازمندان نیز از دیگر عواملی است که باعث می‌شود فقر اجتماعی گسترش پیدا کند چرا که عدم کمک و احسان به دیگران و عدم تکافل اجتماعی باعث می‌شود خداوند متعال نعمت‌های خودش را از شخص صاحب نعمت بگیرد و لذا هم کسی که صاحب نعمت بوده دچار فقر می‌گردد و هم شخص فقیر به علت کوتاهی دیگران، همچنان در وضعیت فقر خود باقی می‌ماند. در مقابل نیز کمک و یاری به دیگران در راه خدا منجر به نفع طرفین می‌شود زیرا هم آن کسی که صاحب نعمت است، اموالش دارای برکت شده و هم نیازهای شخص فقیر برآورده می‌شود.

به همین دلیل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (شعیری، بی تا، ص ۱۲۴). حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا [يَخْتَصُّهُمْ] يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرَهُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۷۰). در روایات دیگری از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که به محمد بن سنان در خصوص علت وجوب زکات و نیز صدقه فرمودند: «وَكَتَبَ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (علیه السلام) إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصِّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوعَى» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۸).

۲-۱-۴. انحصار ثروت در دست اغنیاء

مضمون دیگر استخراج شده در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی، مضمون «انحصار ثروت» است. انحصار ثروت در دست عده‌ای خاص از افراد جامعه که طبیعتاً ثروتمندان هستند، سبب ایجاد فقر می‌گردد. در این خصوص حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى [جَدُّهُ] سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (شریف رضی، ص ۵۳۴). در این روایت حضرت علی (علیه السلام) یکی از عوامل ایجاد فقر را ماندن ثروت در دست عده خاص از اغنیاء معرفی کرده و آن را به‌عنوان عاملی مهم در ثبات فقر در میان فقرا بر می‌شمارند.

۲-۱-۵. غصب اموال و دسترنج مظلومان

یکی دیگر از مضامینی که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی به چشم می‌خورد، مضمون «غصب اموال مظلومان» است. این مطلب به‌طور صریح در روایات بیان شده است که هیچ کس فقیر نمی‌شود مگر به سبب آنکه شخص غنی حق او را غصب کرده باشد: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَابِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۲).

باید توجه داشت که غصب اموال دیگران علاوه بر اینکه باعث افزایش فقر می‌شود، در واقع یک نوع ظلم اجتماعی نیز بوده و باعث سلب نعمات در جامعه می‌شود چرا که امام علی^(ع) در این خصوص فرموده‌اند: «الظُّلْمُ يَزِلُّ الْقَدَمَ وَ يَسْلُبُ النَّعْمَ وَ يَهْلِكُ الْأُمَّمَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۲). این روایت دلالت بر آن دارد که ظلم منجر به سلب نعمت‌های الهی می‌شود و نتیجه چنین عذابی، فقر و هلاکت امت‌ها خواهد بود. همچنین در مواردی دیگر امام علی^(ع) نسبت به این مسئله هشدار داده و آن را به‌عنوان عامل اصلی بیچارگی و سلب نعمت و دگرگونی امت‌ها معرفی نموده‌اند: «الظُّلْمُ يَطْرُدُ النَّعْمَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۴) و «اتَّقُوا الْبَغْيَ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ النَّعْمَ وَ يَسْلُبُ النَّعْمَ وَ يُوجِبُ الْغَيْرَ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۸۷) که این خود حاکی از تأثیر ظلم در ایجاد فقر اجتماعی و زوال نعم الهی می‌باشد. مسئله ظلم اغنیا به فقرا چندان هم دور از ذهن نیست، کما اینکه در برخی روایات اشاره شده است که روزگاری خواهد رسید که اغنیا قوم، اموال فقرا را می‌زدند (ر.ک: مجذوب تبریزی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۰۰).

۲-۱-۶. اعراض از ولایت اولیاء الهی

نکته جالب آن است که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی، مضمون دیگری که به چشم می‌خورد، مضمون «اعراض از ولایت اولیاء الهی» است بدین معنا که در آیات قرآن و روایات منقول از ائمه اطهار^(ع) از این مسئله به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد فقر اجتماعی نام برده شده است. به‌عنوان مثال قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره مبارکه اعراف بیان می‌کند که اگر مشرکان ایمان می‌آوردند، ما درب‌های رزق و روزی آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم. مفسران قرآن کریم از جمله طبرسی، مصداق ایمان آوردن در این آیه را ایمان به پیامبران و اولیاء الهی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۹۸).

بدیهی است که اگر مردم به پیامبران و یا اولیاء الهی که موظف به اداره جامعه از جانب خدا می‌باشند، ایمان می‌آوردند، درب‌های رزق و روزی آسمان و زمین بر آن‌ها باز می‌شد ولی

چون آن‌ها ایمان نمی‌آورند دچار سختی و عذاب می‌شوند. از طرفی برنامه‌ریزی صحیح این اولیای الهی که به دور از جاه‌طلبی هستند منجر به رشد اقتصادی و نجات جوامع بشری از فقر می‌شود. در این خصوص قرآن کریم ماجرای حضرت یوسف (علیه السلام) را بیان می‌دارد که ایشان با تدبیر هوشمندانه خود منجر شد تا در شرایط قحطی مردم دچار رنج و سختی نشوند.

۲-۱-۷. احتکار

مضمون دیگر استخراج شده در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی، مضمون «احتکار» است. احتکار به معنای ذخیره و نگهداری کالای کمیاب در بازار و مورد نیاز مردم، به انتظار گران شدن بهای آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۲). فقیهان شیعه احتکار کالاها را ضروری، به‌ویژه مواد خوراکی را حرام دانسته‌اند. البته برخی از فقیهان دایره حکم احتکار را گسترش داده و معتقدند احتکار همه کالاها را مورد نیاز جامعه حرام است. حضرت علی (علیه السلام) نیز احتکار را از جمله عوامل مؤثر بر ایجاد فقر در جامعه به شمار آورده و در این خصوص فرموده‌اند: «إِذَا طُقِفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۴۲۱).

۲-۱-۸. ربا

مضمون دیگر استخراج شده در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی، مضمون «ربا» است. بی‌شک باید گفت که یک از عوامل مهم در گسترش فقر در جامعه «ربا» می‌باشد و لذا اهل بیت (علیهم السلام) مکرراً در این خصوص هشدار داده و فرموده‌اند: «مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّبَا إِلَّا أُخِذُوا بِالسَّنَةِ» (پاینده، بی تا، ص ۷۱۲). امام رضا (علیه السلام) علت تحریم ربا را گسترش فساد و تباهی اموال و فقر در جامعه دانسته و می‌فرماید: «عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۸۳). ربا منجر به کاهش مال افراد فقیر و افزایش مال ثروتمندان شده و همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، شکاف طبقاتی اجتماع را بیشتر می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرموده‌اند که ربا، اثر وضعی خود را در جامعه خواهد گذاشت و حتی اگر شخص توبه کند، همچنان این اثر وضعی وجود داشته و در نهایت فقر اجتماعی را به همراه دارد: «الرِّبَا يَمْحَقُ الدِّينَ وَ إِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۵).

لازم به ذکر است که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل ایجاد فقر اجتماعی مضامین دیگری نیز همانند «اجحاف در سود»، «علنی شدن فساد خواص» و ... نیز وجود دارد که به جهت پرهیز از افزایش حجم مقاله از بیان روایات ذیل آنها اجتناب می‌شود.

۲-۲. عوامل حکومتی مؤثر بر ایجاد فقر

بررسی آیات قرآن کریم و روایات منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) با استفاده از روش تحلیل مضمون و طبقه‌بندی مضامین استخراج شده از آنها نشان می‌دهد که در حوزه مباحث کلان حکومتی، ۷ عامل اساسی باعث ایجاد فقر در جوامع اسلامی می‌شوند که عبارتند از:

۲-۲-۱. توزیع ناعادلانه ثروت

یکی از مهم‌ترین مضامینی که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل حکومتی ایجاد فقر به چشم می‌خورد، مضمون «توزیع ناعادلانه ثروت» در جامعه است. توزیع ناعادلانه ثروت از جمله عوامل مهم در ایجاد شکاف طبقاتی و در نتیجه ایجاد فقر در جامعه اسلامی است، درحالی‌که اگر ثروت به‌طور عادلانه میان افراد جامعه تقسیم گردد، علاوه بر از بین رفتن فقر، برکات الهی نیز شامل حال جامعه شده و جامعه به‌سوی رشد اقتصادی حرکت می‌کند. به همین دلیل از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمودند: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنَزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۸). همچنین در روایت دیگری از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که می‌فرمایند: «الْإِسْتِثَارُ يُوجِبُ الْحَسَدَ، وَ الْحَسَدُ يُوجِبُ الْبِغْضَةَ، وَ الْبِغْضَةُ تُوجِبُ الْإِخْتِلَافَ، وَ الْإِخْتِلَافُ يُوجِبُ الْفُرْقَةَ، وَ الْفُرْقَةُ تُوجِبُ الضَّعْفَ، وَ الضَّعْفُ يُوجِبُ الدُّلَّ، وَ الدُّلُّ يُوجِبُ زَوَالَ الدَّوْلَةِ وَ ذَهَابَ النِّعْمَةِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۴۵).

همان‌طور که این احادیث شریف اشاره دارند، انحصارطلبی موجب حسد می‌شود و حسد موجب کینه و کینه موجب اختلاف و اختلاف موجب جدایی و جدایی موجب ضعف و ضعف موجب ذلت و ذلت موجب از میان رفتن دولت و از دست رفتن نعمت می‌گردد. پس اگر عده‌ای در جامعه به دنبال انحصارطلبی باشند و ثروت را منحصر به خود بخواهند، این امر منجر به ضعف و زوال نعمت و ایجاد فقر خواهد گشت.

۲-۲-۲. ثروت اندوزی مسئولین

مضمون دیگری که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل حکومتی ایجاد فقر به چشم می‌خورد، مضمون «ثروت اندوزی مسئولین» است. طبیعتاً زمانی که مسئولین جامعه به دنبال ثروت اندوزی باشند، نمی‌توانند آن‌چنان که باید و شاید به فکر آبادانی و رفع مشکلات معیشتی مردم بوده، لذا جامعه به سوی فقر و تنگ‌دستی حرکت می‌کند. به همین دلیل امام علی^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَارِ أَهْلِهَا وَ إِنَّمَا يُعْوِرُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجُمُعِ وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۷۱). بنا بر این روایت آنچه منجر به ویرانی زمین می‌شود تنگ‌دستی اهل آن است و اهل آن سرزمین تنگ‌دست نمی‌شوند مگر به خاطر اشراف‌زادگان آن سرزمین که به دنبال جمع‌آوری مال و ثروت برای خویش هستند و اینکه نسبت به بقاع خود اطمینان ندارند و همچنین به خاطر آنکه از آنچه مایه‌ی عبرت است نفع نمی‌برند. لذا ثروت‌اندوزی مسئولین و مقامات بالای حکومتی، منجر به فقر و تنگ‌دستی فقرا و در نتیجه از بین رفتن و هلاکت آن منطقه می‌گردد.

۳-۲-۲. خیانت دست‌اندرکاران حکومت

از جمله دیگر مضامینی که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل حکومتی ایجاد فقر به چشم می‌خورد، مضمون «خیانت مسئولین حکومتی» است. با خیانت دست‌اندرکاران حکومت، کشور دچار مشکل می‌شود و در نتیجه فقر نیز دامن‌گیر جامعه می‌گردد. از این رو رسول اکرم^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صراحتاً به این مطلب اشاره کرده و فرموده‌اند: «الْحَيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۸۷). همچنین امیرالمؤمنین^(علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَأَمَانَةُ بَجْرِ الرِّزْقِ وَ الْحَيَانَةُ بَجْرُ الْفَقْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶۰). همان‌طور که از ظاهر این دو روایت پیداست یکی از عواملی که به‌طور مستقیم منجر به فقر می‌گردد، خیانت است که بالاترین سطح آن می‌تواند در میان دست‌اندرکاران حکومتی اتفاق بیفتد.

۴-۲-۲. فساد و دروغ‌گویی حاکمان

در کنار مضمون «خیانت دست‌اندرکاران حکومتی»، مضمون دیگری که در جدول تحلیل آیات و روایات با موضوع عوامل حکومتی ایجاد فقر ثبت شده است، مضمون «فساد و دروغ‌گویی حاکمان» است. فساد و دروغ‌گویی حاکمان و والیان در رده‌های مختلف حکومتی نتیجه‌ای جز از میان رفتن اعتماد عمومی و در نتیجه از رونق افتادن اقتصاد کشور نخواهد داشت. ابی‌الولاء

الحناط در قضیه‌ای برای قضاوت به سراغ ابوحنیفه می‌رود که در این ماجرا ابوحنیفه به نادرستی قضاوت می‌کند. بعد از آنکه وی ماجرا را برای امام صادق (ع) نقل می‌کند، آن حضرت می‌فرماید: «فِي مِثْلِ هَذَا الْفَضَاءِ وَ شِبْهِهِ تَحْسِبُ السَّمَاءُ مَاءَهَا وَ تَمْنَعُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۱). این ماجرا نشان می‌دهد که فساد یک قاضی می‌تواند منجر به سلب رزق و برکت شود و در نتیجه عاملی برای ایجاد فقر در میان مردم جامعه گردد. از طرفی فساد و دروغ‌گویی والیان، آن‌ها را نسبت به رعایت حقوق رعیت بی‌تفاوت کرده و در اثر آن حقوق رعیت پایمال می‌شود و در نتیجه آن ضعف و زبونی در جامعه گسترش می‌یابد.

لازم به ذکر است که در کنار این مضمون، مضمون دیگری با عنوان «مدیریت بی‌خردان و ضعف سیاسی» نیز در جداول ثبت شده است که به جهت رعایت اختصار مطالب از بیان آن پرهیز شده و صرفاً به این آیه از قرآن کریم اشاره می‌شود که اموال خود را در اختیار افراد بی‌خرد و نادان و نالایق نگذارید چرا که در نهایت فقر و ناداری به همراه دارد: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» (نساء: ۵).

۲-۲-۵. اهمال در جمع‌آوری زکات

از دیگر مضامین مندرج در جداول تحلیل محتوای آیات و روایات با موضوع شناسایی عوامل کلان ایجاد فقر، مضمون «اهمال در جمع‌آوری زکات» و دیگر مالیات‌های دولتی و حکومتی است که عواید آن به رشد و آبادانی جامعه و مردم می‌رسد. طبیعتاً اگر حکومت در جمع‌آوری زکات و فیه و صدقات کوتاهی نرزد به آبادانی و رشد جامعه کمک شایانی می‌شود و در نتیجه فقر و تبعات آن از جامعه رخ برمی‌بندد. به همین منظور از وظایف حاکم اسلامی جمع‌آوری زکات و فیه می‌باشد و امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفَيْءِ وَ الصَّدَقَاتِ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۳۸). طبیعتاً با اهمال در این قضیه بخشی از حقوق مستمندان که در این دسته از اموال قرار می‌گیرد محقق نمی‌گردد.

همچنین در ادامه این مضمون، می‌بایست به مضمون دیگری با عنوان «اهمال اغنیا در احقاق حقوق مستمندان» نیز اشاره کرد. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند هرگونه تنگدستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۰)، لذا عدم توجه به احقاق حقوق مستمندان منجر به صعوبت معیشتی و ایجاد فقر در میان آن‌ها خواهد گشت.

۲-۳. عوامل معنوی مؤثر بر ایجاد فقر

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی مقاله به بررسی عوامل کلان ایجاد فقر در جامعه بر اساس تحلیل مضامین مستخرج از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) با استفاده از روش تحلیل مضمون پرداخته شد، در این بخش از مقاله به تحلیل عوامل خرد و جزئی و فردی ایجاد فقر اشاره شده و مضامین مستخرج بیان می‌شود. مضامین خرد ایجاد فقر به دو دسته عوامل معنوی و معیشتی تقسیم شده‌اند. عوامل معنوی مؤثر بر ایجاد فقر فردی جمعاً ۸ مضمون هستند که عبارتند از:

۲-۳-۱. گناه و نیت آن

در آیات قرآن کریم کراراً در خصوص این مطلب صحبت شده است که یکی از مهم‌ترین عوامل نابودی تمدن‌ها و عذاب امت‌های پیشین، گناهکاری آنان و اصرار بر انجام گناه بوده است. این مطلب در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بیان شده و حتی به این مطلب نیز اشاره کرده‌اند که علاوه بر انجام گناه که باعث محرومیت انسان از نعمات الهی و برکات می‌شود، داشتن نیت و انگیزه گناه و افکار سوء و پلید نیز باعث محرومیت از ارزاق الهی و در نتیجه ایجاد فقر برای افراد می‌شود. به‌عنوان مثال از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمودند نیت گناه باعث محرومیت انسان از رزق الهی می‌شود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُحَرِّمُ رِزْقَهُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۶). همان‌طور که در روایت به‌طور واضح بیان شده است اگر مؤمن نیت گناه بکند این نیت او را از رزق محروم می‌گرداند. همچنین نیت گناه علاوه بر محرومیت از رزق برکت را نیز از بین می‌برد چنانکه امام علی (علیه‌السلام) در این خصوص فرموده‌اند: «عِنْدَ فِسَادِ النَّيِّ تَرْفَعُ الْبِرْكَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۵۶).

۲-۳-۲. دروغ

از دیگر مضامینی که در جدول عوامل خرد و فردی ایجاد فقر ثبت شده است، مضمون «دروغ‌گویی» می‌باشد. دروغ‌گویی بنا بر روایات باعث فقر و فلاکت می‌شود چنانکه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «الْكُذْبُ يُنْقِصُ الرِّزْقَ» (پابنده، بی‌تا، ص ۳۷۳). در همین راستا امام علی (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «الْحَيَانَةُ وَ الْكُذْبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَ النِّفَاقَ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۳)؛ خیانت و دروغ، فقر و نفاق را با خود به همراه می‌آورند. و در جایی دیگر از ایشان نقل شده است که: «اعْتِيَاذُ الْكُذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹) یعنی عادت بر دروغ‌گویی از خود فقر را به ارث خواهد گذاشت.

۲-۳-۳. حرص و طمع

همچنین در روایات اهل بیت (علیهم السلام) حرص و طمع نیز به عنوان یکی از ریشه‌های اصلی فقر در زندگی معنوی افراد معرفی شده است. به عنوان مثال در روایات متعددی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که: «الْحَرِصُ عَلَامَةُ الْفَقْرِ» (کراجی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۹)، «الْحَرِصُ رَأْسُ الْفَقْرِ وَ أَسُّ الشَّرِّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۴)، «كُلُّ حَرِيصٍ فَفِيرٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۶). این دسته از روایات به وضوح بیان می‌دارند که حب دنیا و حریص بودن و طمع کردن نسبت به آن، انسان را به سوی فقر می‌کشاند.

البته لازم به ذکر است که در کنار این مضمون، مضمون دیگری با عنوان «بخل» نیز ثبت شده است که نشان می‌دهد این دو رذیله اخلاقی هر دو باعث ایجاد فقر می‌شوند چنانکه از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَ يَقُوُّهُ الْغِيَّ الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَعْيَاءِ» (شریف رضی، ص ۴۹۱).

۲-۳-۴. اعراض از یاد خدا

از دیگر مضامین ثبت شده در جدول تحلیل مضمونی، «اعراض از یاد خدا» است. در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر این مطلب تأکید شده است که غفلت از یاد خدای متعال باعث می‌شود تا انسان در زندگی دچار عسر و سختی و تنگ‌دستی شود، چنانکه در آیه ذیل فرموده است: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴). در مقابل، در روایات تأکید شده است که یاد خدا، بلاهای فروانی از جمله فقر را از بین می‌برد: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۵۰۵). در این روایت حضرت علی (علیه السلام) به خوبی ارتباط میان ذکر الهی و دفع بلاها علی‌الخصوص بلای فقر را تبیین می‌کنند.

۲-۳-۵. برداشت غلط از زهد

نکته جالب در تحلیل مضمونی آیات و روایات این است که در مواردی، تحلیلگر با مضامینی مواجه می‌شود که به خوبی عمق مطلب را در خصوص علل ایجاد فقر بیان می‌کنند. از جمله این مضامین، مضمون «برداشت غلط از زهد» در جداول می‌باشد. در طول تاریخ همواره عده‌ای به خاطر برداشت غلطی که از زهد داشته‌اند، دنیا را رها کرده و از امور سیاسی و اجتماعی

کناره‌گیری کرده‌اند و طبیعتاً با کناره‌گیری از دنیا گرفتار فقر شده‌اند. به همین علت اهل بیت (علیهم‌السلام) با این نوع برداشت غلط از زهد که منجر به فقر می‌شود همواره مقابله کرده‌اند. به‌طور مثال پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمَ الْحَلَالِ وَ لَا إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ لَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ وَ الْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۵۱).

بنا بر این روایت زهد واقعی، حرام کردن حلال‌ها و یا از دست دادن اموال نیست، بلکه زهد حقیقی و واقعی در دنیا رضایت نسبت به قضای الهی و صبر نمودن بر مصائب و ناامیدی از مردم می‌باشد. همچنین امام صادق (علیه‌السلام) معنای زهد حقیقی را اعتماد داشتن به خدا بیش از اعتماد به آنچه در دست خود انسان است معرفی کرده و می‌فرماید: «لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا تَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۰).

۲-۳-۶. کفران نعمت

از دیگر مضامین عوامل خُرد ایجاد فقر معنوی در افراد، مسئله «کفران نعمت» است. همانگونه که در بحث عوامل کلان ایجاد فقر اجتماعی به مضمون «شکل‌گیری فرهنگ کفران نعمت» اشاره شد، در اینجا اصل این حالت و رذیله در مقوله عوامل خُرد ثبت شده است. بدیهی است که کفران نعمت در سطح فردی سبب از دست دادن نعمت‌ها از جمله نعمت‌های مادی شده و در نتیجه سبب ایجاد فقر می‌شود، لذا حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ الرِّعْمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَةً فَاحْذَرَهُ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْزَمِ الزِّيَادَةَ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۷۳)؛ چون نشانه‌های نعمت پروردگار بر شما آشکار گشت با ناسپاسی و کمی شکر آن‌ها را از خود دور نکنید، ای فرزند آدم زمانی که دیدی پروردگار سبحان پی‌درپی نعمت‌های خود را بر تو می‌فرستد مواظب باش که هرکس شکر کند از فزونی در نعمت محروم نمی‌گردد.

البته در کنار این مضمون، به مضمون دیگری با عنوان «اسراف و تبذیر» نیز می‌بایست اشاره کرد که در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان عاملی برای ایجاد فقر معرفی شده است. به‌عنوان نمونه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۳)؛ همانا اسراف فقر به‌جای می‌گذارد و همانا میانه‌روی توانمندی را به‌جای می‌گذارد. همچنین از علی (علیه‌السلام) نقل شده است که: «مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ» (حرانی،

۱۴۰۴، ص ۴۰۳)؛ هرکس تبذیر و اسراف کند نعمت از او سلب می‌گردد و «مَنْ أُسْرِفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۰).

۲-۴. عوامل معیشتی مؤثر بر ایجاد فقر

همانگونه که اشاره شد، عوامل خرد ایجاد فقر به دو دسته عوامل معنوی و معیشتی تقسیم شده‌اند. عوامل معیشتی مؤثر بر ایجاد فقر فردی جمعاً ۵ مضمون هستند که عبارتند از:

۲-۴-۱. تکدی‌گری و اظهار فقر

اولین مضمون مورد تأکید در روایات به‌عنوان عامل ایجاد فقر در زندگی فردی انسان‌ها، «تکدی‌گری» و گدایی کردن است. در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) تکدی‌گردی و درخواست کردن از دیگران از جمله عوامل مؤثر بر ایجاد فقر بر شمرده شده و تأکید شده است که درخواست کردن و اظهار نیاز در مقابل دیگران منجر به افزایش فقر و نیازمندی خواهد شد، چنانکه از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده که فرمودند: «مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۹)؛ هرکس در درخواست کردن را بر نفس خود بگشاید خداوند در مقابل هفتاد در از فقر را بر او می‌گشاید. همچنین امام علی (علیه‌السلام) و امام باقر (علیه‌السلام) نیز در روایاتی دیگر این قول پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مورد تأکید قرار داده و فرموده‌اند: «اتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فَإِنَّهُ قَالَ مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۹) و «أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَهُوَ حَقٌّ مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ الْمَسْأَلَةِ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۹۹).

همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روایتی دیگر می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَعْنَى أَعْنَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ اسْتَعَفَّ أَعْفَهُ اللَّهُ وَ مَنْ سَأَلَ أَعْطَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ الْمَسْأَلَةِ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّ أَدْنَاهُ شَيْءٌ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۰)؛ کسی که اظهار نیاز نکند خداوند او را غنی می‌گرداند و کسی که طالب عفت باشد خداوند او را عقیف می‌گرداند. کسی که از خدا بخواهد خدا به او عطا می‌کند و هرکس باب درخواست از دیگران را بر خود بگشاید خداوند هفتاد در از فقر را در مقابل او می‌گشاید که هیچ‌چیز نمی‌تواند کوچک‌ترین بابش را مسدود نماید.

همچنان که در این روایات بیان گردیده است، تکدی‌گری رابطه مستقیمی با افزایش فقر دارد. در واقع اظهار نیاز به مردم و تکیه کردن به آنها و چشم امید داشتن به دیگران انسان را

به سوی فقر می‌کشاند و بالعکس اظهار نیاز در برابر ذات باری تعالی و عدم تکیه به دیگران و تلاش فردی برای کسب روزی منجر به از میان رفتن فقر می‌گردد.

همچنین شایسته است در اینجا به مضمون «تظاهر به فقر» نیز اشاره شود که در جداول تحلیل مضمونی ثبت شده است. در روایات تظاهر به فقر و خود را فقیر جلوه دادن نیز از جمله موارد دیگر ایجاد فقر معرفی شده است چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر کس خود را به فقیری بزند نیازمند می‌گردد (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۹). همچنین حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرمایند: «إظهارُ التَّباؤسِ يَجْلِبُ الْفَقْرَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۱)؛ اظهار تنگدستی و نداری منجر به فقر می‌شود و انسان را به سوی فقر می‌کشاند.

۲-۴-۲. سوء تدبیر در معیشت

از دیگر مضامین عوامل معیشتی مؤثر بر ایجاد فقر، نداشتن برنامه صحیح و تدبیر مناسب در زندگی است. طبیعی است که عدم برنامه‌ریزی مناسب برای معیشت به طور طبیعی باعث فقر خواهد شد، لذا در این خصوص امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۹). در جایی دیگر آن حضرت بیان می‌کنند: «لَا غِنَى مَعَ سُوءِ تَدْبِيرٍ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۴۴) و «يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹)؛ ترک اندازه‌گیری و تدبیر در زندگی از خود فقر را برجای می‌گذارد.

۲-۴-۳. تنبلی و راحت‌طلبی

عامل دیگری که در روایات به عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد فقر نام برده شده است، راحت‌طلبی می‌باشد. امام علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرمایند: «ازْدَوْجُ الْكَسَلِ وَالْعَجْزُ فِتْنَتَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۶)؛ تنبلی و ناتوانی با یکدیگر ازدواج کردند و از آن دو فقر متولد شد. ایشان در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّهِ صَبَرَ عَلَى الْإِفْلَاسِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۷)؛ هر کس بر رنج کسب و کار صبر نکند، باید بر رنج ناداری صبر کند.

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده که در توصیه‌ای به یکی از صحابه خود فرمودند در راه کسب معیشت و روزی زندگی خود تنبلی نکن زیرا تنبلی در راه تأمین معاش زندگی باعث می‌شود تا شخص سربار دیگران شود: «كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَّا بَعْدُ ... وَ لَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ أَوْ قَالَ عَلَى أَهْلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۶). طبعاً راحت‌طلبی در کسب معاش منجر به آن می‌شود تا انسان تلاش لازم را برای تأمین معاش خود

و خانواده خویش انجام ندهد و در نتیجه از حیث اقتصادی رشد چندانی نداشته و در فقر باقی بماند.

۲-۴-۴. عدم تلاش و مسافرت برای کسب رزق

از دیگر مضامینی که در جدول تحلیل مضمونی آیات و روایات به عنوان عامل خُرد و معیشتی ایجاد فقر ثبت شده است، مضمون «عدم تلاش و مسافرت برای کسب رزق» می‌باشد. نکته جالب اینجاست که این مضمون از مجموعه روایاتی برداشت شده که در کتب حدیثی از آنها با عنوان «اسْتِحْبَابُ الْإِعْتِرَابِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ» یاد شده است. در این احادیث توصیه اکید شده است که برای کسب رزق و معیشت به تلاش و مسافرت و حتی تحمل غربت در سرزمین‌های دیگر پرداخته و از هیچ تلاشی فروگذار نشود. به عنوان مثال در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُحِبُّ الْإِعْتِرَابَ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۴۰۴)؛ همانا خداوند متعال اغتراب جهت طلب رزق را دوست می‌دارد.

امام علی (علیه السلام) نیز در باب سفر برای کسب رزق می‌فرماید: برای کسب بلند مرتبگی از وطن خود دور شو و دچار غربت شو و مسافرت کن که در سفر پنج فایده نهفته است: گشایش غم‌ها، کسب رزق و روزی و دانش و آموختن آداب هم‌نشینی بزرگان (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۱۵). همچنین در روایتی دیگر از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «... رَجُلٌ يَفْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَ يَقُولُ رَبِّ ارْزُقْنِي وَ لَا يَجُوعُ وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ عَبْدِي أَمْ أَجْعَلُ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ فَتَكُونَ قَدْ أَعْدَرْتَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِإِتِّبَاعِ أَقْرَبِي وَ لِكَيْلَا تَكُونَ كَلًّا عَلَى أَهْلِكَ فَإِنَّ شِئْتَ رِزْقُكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَتَرْتُ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ عَزِيْرٌ مَعْدُوْرٌ عِنْدِي...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۷)؛ مردی در خانه خود می‌نشیند و می‌گوید پروردگارا به من روزی ده و از خانه خود خارج نمی‌شود و به دنبال رزق نمی‌رود. خداوند در جواب او گوید بنده من آیا برای تو طریقی برای رسیدن به خواسته‌ات قرار ندادم و مگر نه اینکه با بخشیدن اعضا و جوارح سالم زمینه برای سفر در زمین (کسب رزق) را فراهم کردم. تو باید بین من و خودت برای کسب روزی در پیروی از فرمان من، عذری بیاوری تا سربار اهل خود نباشی پس اگر من خواستم به تو روزی می‌دهم و اگر خواستم بر تو سخت می‌گیرم و تو در نزد من هیچ عذری نداری.

نتیجه‌گیری

فقر از جمله مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که عدم تلاش برای کنترل و نابودی آن می‌تواند به نابودی معیشت افراد، از هم پاشیدگی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و در نهایت

به سقوط و انحلال جوامع بشری منجر شود. به همین دلیل یکی از دستورات اکید دین اسلام، مبارزه با فقر بوده و در این زمینه راهکارهای مختلفی را توصیه کرده است، اما به نظر می‌رسد پیش از پرداختن به دستورات دین اسلام برای مبارزه با فقر، ابتدا لازم است عوامل ایجاد این معضل را از منظر آموزه‌های دینی شناسایی نموده و به جای مبارزه، به دنبال پیشگیری از ایجاد فقر باشیم. بدیهی است که بخشی از دستورات دین اسلام برای مبارزه با فقر در حوزه پیشگیری می‌باشد، اما تمرکز بر موضوع «عوامل ایجاد فقر» می‌تواند ما را با بخش گستره تری از این آموزه‌ها آشنا سازد.

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از یک روش تحقیق میان رشته‌ای متن محور و نظام‌مند، به تحلیل آیات اقتصادی و روایات مرتبط با موضوع فقر پرداخته شده و صرفاً با رویکرد شناسایی عوامل ایجاد فقر، مضامین محوری این بخش از نصوص دینی استخراج شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مضامین متعدد شناسایی شده به‌عنوان عوامل ایجاد فقر را می‌توان به‌طور کلی در دو بخش خرد و کلان دسته‌بندی نمود که هر کدام از آنها نیز به دسته‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند.

عوامل کلان ایجاد فقر خود به دو دسته عوامل اجتماعی و عوامل حکومتی تقسیم می‌شوند. عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فقر عبارتند از: شکل‌گیری فرهنگ کفران نعمت، ترک انفاق‌های واجب و مستحب، عدم حمایت و تکافل اجتماعی، انحصار ثروت در دست اغنیاء، غصب اموال و دسترنج مظلومان، اعراض از ولایت اولیاء الهی، احتکار، ربا، اجحاف در سود و علنی شدن فساد خواص. عوامل حکومتی مؤثر در ایجاد فقر اجتماعی نیز عبارتند از: توزیع ناعادلانه ثروت، ثروت اندوزی مسئولین، خیانت دست اندرکاران حکومت، فساد و دروغ‌گویی حاکمان، اهمال در احقاق حقوق مستمندان و جمع‌آوری زکات و مدیریت بی‌خردان و ضعف سیاسی مسئولان. عوامل خرد و فردی ایجاد فقر نیز به دو دسته عوامل معنوی و معیشتی تقسیم می‌شوند. عوامل معنوی مؤثر در ایجاد فقر عبارتند از: گناه و نیت آن، دروغ‌گویی، حرص و طمع و بخل، اعراض از یاد خدا، برداشت غلط از زهد، کفران نعمت و اسراف و تبذیر. عوامل معیشتی مؤثر در ایجاد فقر عبارتند از: تکدی‌گری و اظهار فقر، سوء تدبیر و ضعف در برنامه‌ریزی، تنبلی و راحت‌طلبی، عدم تلاش و مسافرت برای کسب رزق. مجموع این عوامل در شکل ذیل به تصویر کشیده شده است:

شکل شماره ۲: شبکه مضامین عوامل مؤثر بر ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)



کتاب نامه:

قرآن کریم:

- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶ش)، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، محقق: جلال الدین محدث و حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوال اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، محقق: مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهدا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین قم.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدّه الداعی و نجاح الساعی، تصحیح: احمد موحدی قمی، قم: دارالکتب الاسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (بی تا)، نهج الفصاحه، تهران: نشر دنیای دانش
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع) السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، هدایه الامه الی احکام الائمه، مشهد: آستانه قدس رضوی.
- حکیمی، محمدرضا و برادران (۱۴۰۸ق)، الحیاء، تهران: نشر الثقافه الاسلامیه.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰ش)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.
- خدادادکاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل (۱۳۸۸ش)، «اندازه گیری شاخص های فقر بر اساس عملکرد تغذیه ای خانوارهای ایرانی»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره ۳.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت.

شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الاخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.
 طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الانوار*، نجف: مکتبه الحیدریه.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰ش)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ق)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم: انتشارات رضی.
 قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الحرائج*، قم: مؤسسه امام المهدی^(ع).
 قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷ق)، *الدعوات*، قم: مؤسسه امام المهدی^(ع).
 کراجی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث.
 مجذوب تبریزی، محمد (۱۴۲۹ق)، *الهدایا لشیعة الائمة الهدی*، قم: دارالحدیث.
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*^(علیهم السلام)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین*، قم: مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشانپور.
 محمدی، محمدعلی؛ دادهیر، ابوعلی؛ سیفی، علیرضا؛ مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱ش)، «فرا تحلیل مطالعات فقر در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

نوری، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البتیت^(علیهم السلام).
 Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
 Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
 Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.